

نگارش مختصری پیرامون دیدانداز تاریخی زبان و ادبیات سغدی

تهیه و ترتیب: داکتر نصرالدین شاه پیکار

02 سپتمبر 2015

ترانتو- کانادا



" به منظور ارایه پاسخ مختصر به پرسش دوستی از سرزمین شغنان که در فیس بوک از چیز فهم های عرصه زبان شناسی تمنا کرده بود، چون از هیچ فردی آوایی شنیده نه شد، از این سبب جسارت کردم و با غننام فرصت عباره هایی را خدمت شان و سایر علاقه مندان تقدیم و تکریم کنم و به امید اینکه از آن بهره ای گرفته و ما را در راستای پژوهش بهتر در زمینه یاری سان باشند "

هر که او از همزبانی، شد جدا
بی زبان شد، گرچه دارد صد نوا

سخن آغازین : زبان سغدی مانند زبان های پامیری ، از زبان های ایرانی شاخه شمال شرقی است که در مرا حل آغازین خود در دره ها و کوه پایه های رود خانه زرافشان و نواحی پیرامون آن در میان مردمان آن مرز و بوم رایج بوده و بعد به عنوان زبان میانجی، داد و ستد، بازرگانی، گفتمان، روابط و دیپلوماسی میان دسته های قومی ناهمگون ، وسیله انتقال فرهنگ ها ، تهذیب و

تمدن در بخش بزرگی از جاده ابریشم رواج یافت. این زبان به عنوان زبان گفتاری و نوشتاری تا سده نهم میلادی خیلی ها فعال بوده و روی دلایل معین سیاسی پس از سده یازدهم زوال آن آغاز گردیده است. در شرایط کنونی تنها زبان بازمانده از گویش های سغدی، زبان " **یغنابی**"، است که در یکی از مناطق کوهستانی تاجیکستان صحبت می شود.

یغنابی یا سغدی نو (**Neo-Sogdian**) **زبانی ایرانی** است که اقلیتی از سکنه **دره یغناپ** در سرزمین **تاجیکستان** میان کوه های زرافشان و حصار، بدان سخن می رانند. این زبان بازمانده **زبان سغدی** قدیم است. زبان یغنابی از **زبانهای ایرانی** شاخه شمال شرقی ست و با زبانهای **آسی و پشتو** و **زبانهای پامیری** نزدیکی هایی دارد.^[۱] این زبان به لحاظ قدمت و ملاحظات زبانشناختی با اهمیت می باشد. هم اکنون زبان یغنابی با همان **الفبای تاجیکی** که نوع تغییر یافته **سیریلیک** است، نوشته می شود.

دستور زبان سغدی مطابق پژوهش های جدید

➤ **ضمیر های شخصی**

مفرد	جمع
شخص اول مَن man	ماخ mox
شخص دوم تو tu	شماخ sumox
شخص سوم آخ، ایش ax، iʃ	ایشیت axtit، iʃtit

➤ **ضمیرهای ملکی**

مفرد	جمع	
اول شخص	م- im	ماخ- mox
دوم شخص	ت- it	شنت- ʃint
سوم شخص	ش- iʃ	شنت- ʃint

➤ **صرف فعلها**

مفرد	جمع	
اول شخص	ایشت- omiʃt	ایشت- imiʃt

دوم شخص -یشتift -
سوم شخص -چیift -
-سشتsift -
-اشتoft -

➤ برای نمونه فعل خواستن به این صورت صرف می‌شود

مفرد	جمع
اول شخص خواهامیشت (ХОҲОМИШТ)	خواهیمیشت (ХОҲИМИШТ)
دوم شخص خواهیشت (ХОҲИШТ)	خواهسیشت (ХОҲСИШТ)
سوم شخص خواهچی (ХОҲЧИ)	خواهاشت (ХОҲОШТ)

➤ علامت جمع

یغناپی تنها بازمانده زنده‌ای است که از زبان سغدی به جای مانده و در آن مانند زبان سغدی هنوز می‌توان بن ماضی را از بن مضارع بنا کرد و علامت جمع نیز در آن **t**- است. از این رو با زبان آسی که علامت جمع در آن **tA** است شبیه است.

زبان سغدی در بخارای تاریخی زبان اصلی شهروندان بخارا پیش از رواج زبان فارسی- دری بود. مقدسی در " احسن التقاسیم " ، در مورد زبان سغدی چنین آورده است که : " سغدیانا را نیز زبانی جدا است که نزدیک به روستایان بخارا می باشد و چند گونه است که همگی آن را می فهمند. من پیشوای بزرگوار ابوبکر فضل را دیدم که بدان بسیار سخن می راند. کمتر شهری از آنها که یاد کردم، یافت می شود که روستایش زبان جداگانه ای نداشته باشد."

در زمان فتح بخارا از سوی سعید بن عثمان به سال ۵۶ هجری و سدهٔ پس از آن زبان بخارا و پیرامون آن سغدی بوده است. از وام‌واژه‌های سغدی در فارسی می‌توان به واژه‌های آغاز، ملخ، فغ (در فغفور)، خاتون، جغد، لائیدن، آسیمه (در سرآسیمه)، بساک، سنگسار، راغ اشاره کرد. پسوند -کند و یا کنت ، مثلن " تاشکنت" ، که در زبان ترکی - اوزبکی و در بسیاری از جاینام‌های ایرانی دیده می‌شود نیز واژه‌ای سغدی به معنی دهکده و شهر است. این پسوند را در نام شهرهای مانند تاشکند، سمرقند،

یارکند و تازه‌کند می‌بینیم. پسوند -کند به همین معنی به زبان های ترکی نیز وارد شده است .

مطالعات سُغدی : کتاب حاضر، مشتمل بر جستارها و مقاله‌ها، نتیجه بیش از چهل سال تحقیق استاد دکتر بدرالزمان قریب، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دربارهٔ زبان و ادبیات یکی از زبان‌های ایرانی شرقی به نام سُغدی است. زبان سُغدی و پژوهش در این زبان، با نام استاد قریب - که خود از شاگردان والتر برونو هنینگ بود - در ایران شناخته شد و از آن روز پس، روزبه‌روز گسترش یافت. این کتاب حاوی پانزده مقالهٔ فارسی و سه مقالهٔ انگلیسی است. دو مقاله از پانزده مقالهٔ فارسی دراصل به انگلیسی و یک مقاله به زبان فارسی نوشته شده بود که مدتی پس از انتشار در مجلات اروپایی ترجمهٔ آن‌ها در ایران منتشر شد. قدیمی‌ترین مقالهٔ این مجموعه در سال **1348** و جدیدترین آن‌ها در سال **1384** منتشر شده است. در این کتاب، مقالات نه برمبنای تقدّم و تأخر انتشار، بلکه براساس موضوع رده‌بندی شده‌اند، چراکه دستیابی آسان به مفاهیم اصلی راه را برای تحقیقات هموارتر می‌کند.

کتاب‌شناسی اکثر مقالات این مجموعه به‌شیوهٔ متعارف امروزی فهرست شده و همهٔ جدول‌های آن نیز بازسازی و در طرح نوین ریخته شده است.

عناوین مقالات فارسی این مجموعه عبارت است از:

1. سُغدی‌ها: آسیای میانه و جادهٔ ابریشم؛
2. سُغدی‌ها و گسترش فرهنگ ایرانی؛
3. دستگاه صوتی زبان سُغدی؛
4. نظام فعل در زبان سُغدی؛
5. صرف اسم در زبان سُغدی؛
6. قانون هم‌وزنی مصوّت‌ها در زبان سُغدی؛
7. گذشتهٔ نقلی و بعید و متعدی در سُغدی و شباهت آن‌ها با برخی از گویش‌های ایرانی نو؛
8. واژهٔ فارسی کشاورز؛
9. رستم در روایات سُغدی؛
10. پژوهشی پیرامون روایت سُغدی داستان رستم؛
11. بهشت نور بر چرم سفید؛
12. رفع ابهام از دو واژه در نسخهٔ سُغدی بهشت روشنایی یا اقلیم روشنایی؛
13. طلسم باران از یک زبان سُغدی؛
14. خفتگان افسوس (اصحاب کُهِف) به روایت سُغدی؛
15. روزه در متون سُغدی.

عناوین مقالات انگلیسی این مجموعه نیز به شرح زیر است:
مطالعات سُغدی، نوشته دکتر بدرالزمان قریب، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که به‌کوشش محمد شگری فومشی، ازسوی انتشارات طهوری در **1100** نسخه و به‌بهای **58000** ریال در تابستان **1386** منتشر شده است.

زبان سُغدی از زبان های ایرانی شاخه شمال شرقی و زبان ناحیه حاصلخیز سغد، واقع در میان **آمودریا** و **سیردریا** بوده است. زبان سُغدی در آغاز در دره رودخانه زرافشان و نواحی پیرامون رایج بود و بعداً به عنوان **زبان میانجی** در بخش بزرگی از **جاده ابریشم** رواج یافت. این زبان در طول ده قرن، سده های دوم تا دوازدهم میلادی، مهم ترین زبان ایرانی در ترکستان امروزی و **فرارود**، زبان تجاری جاده ابریشم و از دیرزمان ابزار ارتباط و پیوند بخشی از فرهنگ های سرزمین های شرقی و غربی آسیا بوده است. زبان سُغدی به عنوان زبان گفتاری و نوشتاری تا سده نهم میلادی فعال بوده و زوال آن پس از سده ۱۱ آغاز گردیده است. زبان سُغدی بر اثر نفوذ و توسعه تدریجی **فارسی میانه** که برخوردار از پشتیبانی دولت ساسانی بود و نیز زبان ترکی که ارمغان هجوم قبایل ترک زبان، از رواج افتاد و سیر نابودی آن از سده پنجم هجری به بعد همزمان با رواج زبان فارسی از یک سو و نفوذ زبان عربی و ترکی از سوی دیگر شتاب بیشتری یافت.

امروزه تنها زبان بازمانده از گویش های سُغدی، زبان **یغناپی** است که در کوهستانی در **تاجیکستان** صحبت می شود. زبان سُغدی، از نظر تنوع و حجم نوشته ها و نگاشته ها، مهم ترین **زبان ایرانی شرقی** است و متون دینی بخش بزرگی از این مواد نوشتاری را شامل می شود. با وجود آن که در سنگنوشته های پارسی باستان از سغد به عنوان منطقه ای با ویژگی های خود یاد شده، آثاری از شکل قدیمی تر زبان سُغدی یعنی «سغدی باستان» باقی نمانده است. زبان سُغدی نسبت به فارسی میانه (**پهلوی**) بیشتر حالت کهن تر زبان های ایرانی را حفظ کرده است.

کشف دوباره : زبان سُغدی پیش از کشف گنجینه ترکان در **ترکستان چین**، در اوایل سده بیستم میلادی، زبانی تقریباً ناشناخته بوده است. نخستین کسانی که پرده از راز زبان خاموش سُغدی برگرفتند، محققان آلمانی بودند که در سال های آغازین سده بیستم با مطالعه یک متن مکشوف از **تورفان** این زبان تا آن زمان ناشناخته را سُغدی

نامیدند. گرچه **ابوریحان بیرونی** در حدود هزار و اندی سال پیش با ذکر روزها و ماه‌ها و جشن‌های سغدی تلویحاً به این زبان اشاره کرده بود، اما در آغاز قرن بیستم است که زبان سغدی تولدی دوباره می‌یابد.

طی یکصد سال گذشته با پوشش هیأت‌های اکتشافی متعدد، آثار مکتوب این زبان به صورت پراکنده از نواحی نزدیک شهر **سمرقند** تا یکی از برج‌های داخلی دیوار بزرگ چین، و از مغولستان شمالی تا دره علیای رود سند در شمال پاکستان، کشف شدند. با انتقال این اسناد به موزه‌های برلین، پاریس، لندن و سن پترزبورگ دانشمندان اروپایی و آمریکایی به مطالعه این نوشته‌های کهن پرداختند و بسیاری از این متن‌ها به زبان‌های گوناگون اروپایی ترجمه شد. زبان‌شناسان، ویژگی‌های صرفی و **نحوی** زبان سغدی را مشخص کردند و حقایق بسیاری را درباره این زبان آشکار ساختند.

ادبیات سغدی : سمرقند اهمیت زیادی در جاده ابریشم شاهراه میان چین و دنیای غرب داشته‌است. نوشته‌های مورخان اسلامی حکایت از مهاجرت سغدی‌ان پیش از اسلام و فعالیت‌های سغدی‌ان تجارت‌پیشه در طول این جاده دارد. نتیجه بارز این امر اهمیت یافتن زبان سغدی به صورت زبان میانجی در جاده ابریشم بود. در پرتو همین نقش زبان سغدی است که بیشتر دست‌نویس‌های آن در این ناحیه به خصوص در نواحی اطراف تورفان به دست آمده‌است.

سغدی‌ان تجارت‌پیشه، که واسطه انتقال کالا و **فرهنگ** و **هنر** میان چین و ایران و هند و روم بودند، به تبلیغ دین‌های بودایی و مانوی و مسیحی نیز پرداختند. از این رو، مواد نوشتاری سغدی بیشتر دینی و متأثر از سه دین نام برده‌است و، به همین اعتبار، به سه گروه متون سغدی بودایی، سغدی مانوی، و سغدی مسیحی بخش می‌شود. مانویان هم مهارت نویسندگی داشتند و هم مترجمان بسیار زبردستی بوده‌اند. زبان متن‌هایی که آنان به سغدی برگردانده‌اند روان و زیبا و کاملاً متمایز از ترجمه‌ای الکن و پیچیده و ناقص مترجمان مسیحی و بودایی سغدی‌ان است. متن‌های سغدی بودایی و مسیحی صرفاً از نظر فراوانی و تنوع **واژگان** با ارزش‌ند. اما، برای بررسی صرفی و نحوی زبان سغدی، باید به مطالعه متن‌های سغدی مانوی، به‌ویژه داستان‌های آن، پرداخت.

آثار غیر دینی سغدی در برگیرنده کتیبه‌های متعدد، سکه‌های گوناگون - که تاریخ برخی از آنها به سده دوم میلادی می‌رسد و در زمره کهن‌ترین نوشته‌های زبان سغدی است- سفالینه‌ها، نامه‌های باستانی، اسناد و مدارک، تعدادی داستان و چند متن طبی است.

ادبیات بودایی : متن‌های سغدی بودایی، در حقیقت، آثار بازمانده ادبیات بودایی به زبان سغدی است. این آثار شاید پرجمع‌ترین آثار ادبی زبان سغدی باشد که در صومعه‌های آسیای میانه از اصل چینی و هندی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند و محتوای آنها از مکتب مه‌ایانه بودایی سرچشمه گرفته‌است. ادبیات سغدی بودایی نوعی ادبیات ترجمه‌ای و آکنده از اصطلاحات فلسفی و احکام آیین بودا است و بخش اعظم آن نمودار ادبیات بودایی چینی است که غالباً از آن ترجمه شده‌است. بسیاری از متن‌های بودایی شناخته سغدی بازتاب نسخه‌های چینی آثار نوشتاری آیین بودا دارند تا بدان جا که ویژگی‌های واژه‌شناختی و اصطلاحی و سبکی نسخه‌های چینی مستقیماً در ترجمه سغدی نمایان است. مترجم سغدی، هرگاه که نتوانسته‌است واژه یا عبارتی سغدی برای برگرداندن تعبیر یا اصطلاحی خاص بیابد، به ترجمه واژه‌به‌واژه آن پرداخته‌است. حتی، در برخی موارد، تنها به آوانویسی واژه‌های مبهم چینی به خط سغدی بسنده کرده‌است.

از این‌رو درک و فهم این متن‌ها، بدون مراجعه به اصل چینی یا هندی آنها، اغلب دشوار و گاه غیرممکن است. در برخی موارد نیز، صورت سغدی واژه‌ها، در اثر تغییرات ناشی از نقش‌های دستوری، از صورت‌های سانسکریت دور شده‌اند. تاریخ ترجمه متون سغدی بودایی روشن نیست. تنها، در یک مورد، تاریخ ترجمه (۷۲۱ میلادی) مشخص است؛ بنابراین، احتمال می‌رود که بخش بزرگی از این متون ترجمه‌ای متعلق به دوره اصلی پادشاهی دودمان تانک در آسیای میانه (نیمه دوم سده هفتم و نیمه یکم سده هشتم میلادی) باشد.

ادبیات مانوی : اما متون سغدی مانوی از نظر زبان‌شناختی، در خور توجه و حایز اهمیت بسیار است. بخشی از این متون در برگیرنده ترجمه سغدی سرودها و متن‌های مربوط به کتاب‌های دینی مانوی از اصل فارسی میانه و پارتی و بخش دیگر شامل آثاری است که اصلاً به زبان سغدی نوشته شده‌اند. بیشتر این متون تگه‌تگه شده و

آسیب زیادی دیده‌است. از جمله موضوع‌هایی که در این متن‌ها عرضه شده‌است تاریخچه کلیسا و فعالیت مبلّغان مانوی، **کیهان‌شناسی**، تقویم‌ها، اسطوره آفرینش مانوی، خطابه‌ها، نیایش‌ها، اعترافات، فهرست واژگان و تمثیله‌ها و داستان‌هاست. به‌طور کلی، در این متن‌ها، مطالب فلسفی و بنیادی آیین مانی اغلب با بیانی آمیخته به تمثیل و داستان مطرح می‌گردد. مانویان سغدی زبان نیز، در انتقال افسانه و داستان از شرق به غرب و از غرب به شرق، نقش مهمی داشته‌اند.

ادبیات مسیحی: متون سغدی مسیحی نیز، در واقع، نوعی متون ترجمه‌ای و حاوی داستان‌هایی از زندگی شهدا و قدیسان مسیحی، قطعات و روایت‌هایی از انجیل، چندین موعظه، حکایت‌هایی از **آباء کلیسا**، کتاب مزامیر، داستان پیامبران، سرودهای نیایش، آراء بزرگان کلیسا، کلمات قصار و عبارات پندآمیز است. این متن‌ها از اصل سریانی به سغدی برگردانده شده‌است و، از آن‌جا که مترجمان مسیحی سغدی زبان به ترجمه واژه به واژه متن سریانی به سغدی و نحوه بیان آن پای‌بند بوده‌اند، ترجمه‌های آنان خالی از ابتکار و تقریباً فاقد ارزش ادبی است.

سغدی در بخارا : زبان اصلی شهر **بخارا** پیش از رواج فارسی در این شهر، زبان سغدی بود. **مقدسی** در **احسن‌التقاسیم** (ص. ۶۹۱) در مورد زبان سغدی چنین آورده‌است: «سغدیان را نیز زبانی جدا است که نزدیک به روستائیان بخارا می‌باشد و چند گونه‌است که همگی آنها را می‌فهمند. من پیشوای بزرگوار **ابوبکر محمد بن فضل** را دیدم که بدان بسیار سخن می‌راند. کمتر شهری از آنها که یاد کردم، یافت می‌شود که روستایش زبان جداگانه نداشته باشد.»

در زمان فتح بخارا از سوی **سعید بن عثمان** به سال ۵۶ هجری (۶۷۵ میلادی) و سدهٔ پس از آن نیز زبان بخارا و پیرامون آن سغدی بوده‌است.

تأثیر زبان سغدی در فارسی : از وام‌واژه‌های سغدی در فارسی می‌توان به واژه‌های آغاز، **ملخ**، **فغ** (در **فغفور**)، **خاتون**، **جغد**، **لائیدن**، **آسیمه** (در **سراسیمه**)، **بساک**، **سنگسار**، **راغ** اشاره کرد. **پسوندها** -**گند** که در بسیاری از جاینام‌های ایرانی دیده می‌شود نیز واژه‌ای سغدی به معنی **دهکده** و **شهر** است. این پسوند را در نام شهرهای مانند

تاشکند، سمرقند، یارکند، تازه‌کند و چیمکنت و... می‌بینیم. پسوند -کند به همین معنی به زبان‌های ترکی نیز وارد شده است.

زبان سُغدی: از زبان‌های ایرانی شرقی. زبانی که در سرزمین سُغد در ماوراءالنهر رایج بوده و به خط سُغدی کتابت می‌شده است. دامنه گسترش این زبان شامل سرزمین پهناوری از شرق دریای کاسپین/مازندران در غرب آسیای میانه تا آسیای میانه شرقی، مغولستان، دشت‌های سیبری، شمال شبه‌قاره هند، افغانستان و استان‌های سین‌کیانگ (خُتن) و کانسو در شمال غربی چین را در بر می‌گرفته است. زبان سُغدی با زبان‌های خورازمی و سکایی نزدیکی دارد. این زبان در سده‌های نخست میلادی زبان عمومی و رایج آسیای میانه بوده و در حدود سده ششم هجری متروک شده است. تعدادی از واژگان زبان سُغدی در کتاب **آثارالباقیه** از ابوریحان بیرونی بکار رفته است، اما چون بدون مصوت هستند، تلفظ درست و دقیق آنها ممکن نیست. زبانی که امروزه در یغناپ و نواحی رود زرافشان (در ازبکستان امروزی) رایج است، بازمانده‌ای از زبان سُغدی بشمار می‌رود.

در مطالعه زبانهای کهن ایرانی مسائل نحوی از اقبال چندان برخوردار نیستند و زبان سُغدی هم از این مسأله مستثنی نیست. به این علت که متون بازمانده سُغدی عموماً ترجمه‌هایی از زبانهای دیگر تشخیص داده شده‌اند دانشمندان کمتر به بررسی نحوی این متون اهتمام ورزیده‌اند. تعیین میزان تأثیرگذاری زبانهای مبدأ بر نحو زبان متون سُغدی از سویی و وجود تمایز بین گونه‌های مختلف زبانی آن از دیگر سو خود مسائلی هستند که بدون بررسی نحوی و مقایسه ساختارهای مشابه در این گونه‌های زبانی قابل دسترسی نیستند و این امری است که تا کنون به صورت جدی انجام پذیرفته است. در این نوشتار به بررسی افعال تابع دو فعل وجهی مهم در زبان سُغدی پرداخته شده است. این دو فعل **S>C** «بایستن» و **k>m** «خواستن» هستند. در بررسی‌های پراکنده انجام‌شده در نحو سُغدی عموماً تنها به کاربرد آنها با مصدر توجه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که تابع این دو فعل متنوع‌تر از آن است که پیشتر تصور می‌شد. کاربرد با گونه‌های مختلف مصدر و نیز وجوه فعلی مختلف در جملات پیرو دیگر صورتهای نحوی این افعال هستند. فعل **S>C** در

متون غیر بودایی بسامد بسیار محدودتری دارد و تنوع افعال تابع آن نسبت به $k'm$ کمتر است، اما بسامد کاربرد $k'm$ در متون بودایی و مسیحی نسبتاً برابر است و امکان مقایسه و بررسی آماری را بیشتر فراهم می‌کند.

گفتارهای دیگر در زمینه های یاد شده برای آینده ها :

1. زبان پهلوی پارتی (زبان پهلوی اشکانی، پهلوانی،

پارتیک، پهلوی شمالی، پهلوی قدیم)

2. زبان پهلوی ساسانی (زبان پارسیک، پهلوی جنوبی،

پهلوی جدید)

3. خط سغدی

4. زبان خوارزمی

5. زبان اوستایی

گفتارهای دیگر:

6. زبان سغدی

7. زبان اشکون

8. زبان پرسون

9. زبان کاتی (کتی)

10. زبان ویگلی

دوستان گران سنگ و علاقه مند زمینه های زبان و زبان شناسی تاریخی، اجتماعی، و مقایسه جهت معلومات بیشتر در زمینه توجه همه تان را فرآین مصاحبه یک تن از پژوهشگران عرصه زبان شناسی سغدی مبذول میدارم:

دکتر زهره زرشناس، پژوهشگر، محقق و مولف در حوزه سغدی‌شناسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و بنیاد ایران‌شناسی و استاد دانشگاه تهران در رشته زبان‌شناسی است. وی صاحب تالیفات، تحقیقات و مقالات متعددی در حوزه سغدی‌شناسی و زبان و فرهنگ ایران باستان است. در این مصاحبه سعی شده است به اهمیت پژوهش و موقعیت کنونی زبان سغدی و نیز تأثیر این زبان بر روی فرهنگ ایرانی و علل مرگ آن پرداخته شود.

متن گفتگو : با تشکر فراوان از موافقت شما برای انجام مصاحبه، بر اساس بررسی‌های انجام شده می‌دانیم که زبان سغدی یکی از زبان‌های میانه شرقی و مهم‌ترین زبان ایرانی از سده های دوم تا دوازدهم میلادی است و به عنوان زبان میانجی در تجارت جاده ابریشم نقش مهمی را

ایفا کرده است اما در حال حاضر یکی از زبان‌های خاموش است. با این اوصاف اهمیت آموزش و انجام پژوهش درباره این زبان چیست؟

با انجام پژوهش در این زبان‌ها می‌توان با گوشه‌های تاریک فرهنگ ایران آشنا شد، به ویژه زبان سغدی به دلیل رواج داشتن در آسیای مرکزی که تاجیکستان امروزی را در بر می‌گیرد امکان آشنایی با جهان ایرانی را فراهم می‌سازد که تنها محدود به ایران جغرافیایی امروزی نمی‌شود. به علاوه امتیاز بزرگی که زبان سغدی از آن بهره‌مند است این است که پیروان ادیان مختلف در آسیای مرکزی مانند پیروان ادیان مسیحی، بودایی و مانوی در این منطقه مراکز مذهبی خود را برپا می‌داشته‌اند مانند مانستان‌های مانویان، صومعه‌ها و دیرهای مسیحیان و عبادتگاه‌های بوداییان، و پیروان این ادیان به تبلیغ دین خویش می‌پرداخته‌اند. آن‌ها آثار مربوط به این ادیان را به زبان سغدی ترجمه نمودند و ما امروزه با بررسی این آثار در واقع می‌توانیم درباره دین و پیشینه تاریخی این ادیان به پژوهش بپردازیم. به علاوه بسیاری از این متون مشتمل بر مطالب بسیار جالبی است، مثلاً می‌توان به نقش ایرانیان در گسترش آیین مهیانه بودایی از طریق متون سغدی پی برد. بنابراین به دلیل انجام ترجمه هم زمان این متون به زبان سغدی، متون موجود از اهمیت ویژه‌ای در دین‌شناسی برخوردار است.

به نظر شما پژوهش زبان سغدی امروزه در مطالعات زبان‌های باستانی در ایران و ایران فرهنگی چه جایگاهی دارد؟ آیا در کشورهای حوزه ایران فرهنگی نیز این پژوهش‌هایی از این دست انجام می‌شود؟

بله در حوزه ایران فرهنگی به ویژه در تاجیکستان درباره زبان یغناپی که دنباله زبان سغدی است و گویشوران معدودی دارد و به عنوان زبان سغدی نو از آن یاد می‌شود، پژوهش‌هایی صورت می‌گیرد. در اینجا باید این نکته را یاد آور شد که زبان یغناپی با متونی که از

زبان سغدی میانه به جا مانده است ارتباط مستقیم ندارد و در واقع ادامه زبان مورد بحث نیست بلکه گویش دیگری از زبان سغدی است. با این وجود زبان یغناپی کمک بزرگی به قرائت و ترجمه متون سغدی می‌کند. در حال حاضر در آکادمی علوم تاجیکستان محققى به نام پروفیسور میرزا زاده (میرزایف) به عنوان متخصص زبان یغناپی فعالیت می‌کنند و زبان سغدی را نیز می‌دانند. در ایران نیز در این زمینه واژه نامه یغناپی - فارسی بسیار خوبی به وسیله فرهنگستان زبان فارسی به قلم پروفیسور میرزا زاده منتشر شده است.

به این نکته اشاره کردید که زبان یغناپی به عنوان گویشی از زبان سغدی در نظر گرفته می‌شود اما با متونی که از زبان سغدی میانه به جا مانده است ارتباط مستقیم ندارد، بنابراین آیا می‌توان گفت که زبان سغدی کاملاً از میان رفته است؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، توضیح مختصری درباره دوره‌های تاریخی زبانی لازم است. زبان‌های ایرانی به سه دوره باستانی، میانه و نوین تقسیم می‌شوند. از دوره باستانی از زبان‌هایی مانند اوستایی و فارسی باستان مستقیماً آثار مکتوب جای مانده است اما از زبان سغدی باستان اثر مکتوبی در دست نیست. تنها متن دعای اشم و هو که نزد زردشتیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در مراسم مختلف از آن یاد می‌کنند، به اعتقاد پروفیسور گرشویچ از زبان سغدی باستان باقی مانده است و ایشان برای اثبات این موضوع دلایل زبان شناسانه‌ای نیز ارائه داده بودند. در پرانتز عرض کنم که گرشویچ مؤلف کتاب *Grammar of Manichean Sogdian* (دستور زبان سغدی مانوی) است که تنها کتاب دستور زبان سغدی معتبر در پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود و فعلاً جایگزینی ندارد. من متن مورد نظر را ترجمه کردم و دلایل پروفیسور گرشویچ را نیز بیان کردم. بعدها پروفیسور سیمز ویلیامز که اکنون در زمینه زبان سغدی در دنیا حرف آخر را می‌زنند، دلایل جدیدتری ارائه دادند مبنی بر این که این متن نمی‌تواند به زبان سغدی باستان بوده باشد. به هر حال باید گفت که از

دوره باستان زبان سغدی متنی در دست نیست. از دوره میانه این زبان متن‌های بسیاری در دست است و بر خلاف بسیاری از زبان‌های میانه که به دوره نوین نرسیده‌اند و از آن‌ها اثری در دست نیست، از زبان سغدی، زبان یغناپی با گویشوران معدود بر جای مانده که در تاجیکستان در دره یغناپ زندگی می‌کنند.

تأثیر زبان سغدی را در چه حوزه‌هایی بر فرهنگ ایران می‌توان دید؟

اولین حوزه فرهنگی ایران که می‌توان تأثیر زبان سغدی را در آن دید، وام واژه های سغدی در زبان فارسی است، مانند واژه زیور و تعدادی واژه دیگر که در حال حاضر در زبان فارسی مهجورند. در این زمینه برای نخستین بار پروفسور هنینگ وام واژه های زبان سغدی را در زبان فارسی با استفاده از کتاب لغت فرس اسدی شناسایی کردند و مثال‌های مورد استفاده خود را از این کتاب انتخاب کردند. این پژوهش را من ترجمه کردم و نیز به پژوهشی در شاهنامه پرداختم تا با توجه به نزدیکی منطقه فردوسی به حوزه جغرافیایی زبان سغدی به وام واژه های مورد استفاده توسط وی پی ببرم. بر اساس آمار به دست آمده از نمونه های گوناگون منتخب از نسخه‌های متفاوت شاهنامه که از نظر علمی معتبرتر و نزدیکتر به زبان فردوسی هستند، فردوسی کمتر از 10% از وام واژه‌های سغدی بهره برده است و این امر نشان می‌دهد که این واژه‌ها در آن زمان نیز تا حدودی مهجور بوده است. اما بسیار جالب است که این واژه های مهجور هنوز در منطقه ماوراءالنهر به کار می‌روند؛ در ترجمه یک متن سغدی بودایی با عنوان «رساله‌ای اندر نکوهش نوشابه مستی بخش» به واژه مستکاره برخوردم (در آیین بودا نوشیدن مشروبات یا نوشابه های سکرآور ممنوع است). واژه معادل مست کاره دقیقاً برابر است با واژه سکرآور و من در ترجمه‌ام از همین واژه به دلیل اینکه واژه‌ای ایرانی است، به جای سکرآور استفاده کرده‌ام. در واژه نامه استاد رواقی درباره واژه‌های ماوراءالنهر، به چندین مثال برای کاربرد واژه مستکاره در این ناحیه اشاره

شده است که هنوز در این منطقه به کار می‌روند اگرچه در ایران مهجور هستند.

نمونه دیگر از تأثیرات فرهنگی را می‌توان در زمینه هنر و ادبیات دید. سغدیان تاجران موفق و ثروتمندی بودند که در طول جاده ابریشم به تجارت می‌پرداختند. در کاخ‌های اشراف سغد از نقاشی به عنوان ابزاری برای قصه گویی بهره می‌بردند، نقشی که امروزه تلویزیون در منازل بازی می‌کند. من در چندین مقاله به این نقاشی‌ها که در حفريات باستان شناسی کشف شده است، پرداخته‌ام. در بسیاری از آن‌ها از قصه‌های ایرانی استفاده می‌شده است و آثاری از آن‌ها در نقاشی‌های دیواری موجود است، برای نمونه می‌توان به داستان رستم اشاره کرد که به شکل حلقه داستانی رستم و متفاوت از حلقه داستانی رستم موجود در شاهنامه در منطقه شرق ایران وجود داشته است. نمونه‌های دیگر داستان‌های کليلة و دمنه هستند که در این نقاشی‌های دیواری آثاری از آن‌ها دیده می‌شود، مانند داستان خرگوشی که شیر را فریب می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت که ارتباط فرهنگی مشخصاً دیده می‌شود.

شما کتاب دستنامه سغدی را که به ارائه دستور زبان سغدی می‌پردازد تألیف کرده‌اید، این کتاب از چه امتیازاتی نسبت به کتاب‌های موجود در این زمینه برخوردار است؟

در حال حاضر در زمینه دستور زبان سغدی در جهان دو کتاب به زبان فرانسوی موجود است که در واقع دو جلد از یک کتاب محسوب می‌شوند. جلد اول این مجموعه را پروفیسور گوتیو و جلد دوم را پروفیسور بنونیست تهیه کرده‌اند که بیشتر به زبان سغدی بودایی می‌پردازند و در زمانی منتشر شدند که هنوز مطالعات گسترده‌ای در این حوزه صورت نگرفته بود. این کتب در حال حاضر از اعتبار علمی برخوردار نیستند و تنها می‌توان برای بررسی تاریخ این زبان به آن‌ها مراجعه نمود. کتاب موجود دیگر، کتاب پروفیسور گرشوویچ (رساله دکتری وی) است. این کتاب اگرچه درباره زبان سغدی مانوی نوشته شده است و نمونه‌های

مورد استفاده در آن نیز عموماً نمونه های سغدی مانوی هستند اما نمونه‌های بسیار دیگری نیز از متون دیگر مانند متون سغدی مسیحی و بودایی ارائه شده‌اند و به همین دلیل این کتاب در پژوهش‌های مربوط به این متون نیز هنوز کاربرد دارد و قابل استفاده است. نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که هنگامی که از متون سغدی مانوی، بودایی یا مسیحی صحبت می‌کنیم منظور یک زبان است و از آنجا که این آثار به خط‌های گوناگون نوشته شده‌اند و مسائل فرهنگی ادیان مختلف را مطرح نموده‌اند، به این سه گروه تقسیم شده‌اند، به عبارت دیگر این عناوین ناظر بر زبان نیستند بلکه تنها به خط اشاره دارند. کتاب پروفیسور گرشویچ در این حوزه بسیار مفید است اما مشکلی که وجود آن احساس نیاز به نگارش یک دستور زبان سغدی به فارسی را ایجاد می‌نمود، این بود که در طی تجربه تدریس زبان سغدی در دانشگاه های ایران در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا از سال 70 تا کنون به نیاز دانشجویان فارسی زبان در این زمینه پی بردم. برای نوشتن کتاب مذکور من به ترجمه کتاب گرشویچ نپرداختم اگرچه از آن بسیار سود بردم. به این دلیل که معتقدم کتاب‌های دستور زبان نباید ترجمه شوند بلکه باید متناسب با نیاز گویشوران هر زبان از نو نوشته شوند. بنابراین سعی کردم کتاب دستور زبانی بومی بنویسم که برای دانشجویان ایرانی کاربرد داشته باشد. به نظر می‌آید که این کتاب تا حدودی نیز موفق بوده است که به ارائه دلایل این موفقیت می‌پردازم. در ابتدا در بیست صفحه به نگارش دستور زبانی کوتاه و مقدماتی با مثال‌هایی اندک پرداختم و به مدت دو سال از آن به عنوان مطالب درسی برای تدریس استفاده کردم و به این ترتیب به مشکلات آن ضمن تدریس پی بردم. سپس در کتاب دستنامه سغدی این دستور زبان را گسترش دادم و متناسب با نیاز دانشجویان به آن مثال‌ها و جدول‌های مورد نیاز را افزودم و خوشبختانه کتاب در کمتر از دو سال به چاپ دوم رسید. دلیل نگارش این دستور زبان به این روش و اجتناب از ترجمه این است که ترجمه واژه‌های مربوط به دستور زبان از زبان‌های دیگر باعث عدم انتقال صحیح و دقیق مفاهیم دستوری می‌شود. زبان انگلیسی و فارسی از

زبان‌های هندو اروپایی هستند، اما اکثر اصطلاحات دستور زبان فارسی از زبان عربی گرفته شده است که به خانواده زبان‌های سامی تعلق دارد. مثلاً واژه مصدر در زبان عربی به معنی محل صدور است و در فارسی به عنوان معادل *infinitive* در زبان انگلیسی و *infinitif* در زبان فرانسوی که نشان دهنده زمان نا محدود است در نظر گرفته می‌شود. بنابراین در اصطلاح سازی برای مفاهیم دستوری مشکلات و اختلافاتی از این دست وجود دارد. بنابراین با در نظر گرفتن روشی که برای تدریس دستور زبان در نظام آموزشی ایران به کار می‌رود و چگونگی شکل گیری ساختار ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای فارسی زبان در این حوزه، این دستور زبان نوشته شد. در این کتاب برای تبیین بسیاری از مفاهیم دستوری به ساخت اصطلاحات نو دست زدیم، به عبارت دیگر بسیاری از این اصطلاحات فقط برای این کتاب ساخته شده‌اند و در واژه نامه‌ای در انتهای کتاب ارائه شده‌اند. از نشانه‌های موفقیت این کتاب می‌توانم به اظهار نظر و رضایت مستقیم دانشجویانی اشاره کنم که برای موفقیت در کنکور دکترا تنها با مطالعه این کتاب و بدون پیش زمینه قبلی و بدون رفتن به کلاس زبان سغدی توانسته‌اند به پرسش‌های آزمون به طور کامل پاسخ دهند. هدف من نیز از نگارش این کتاب همین بوده است، اینکه کتابی بومی به علاقه‌مندان یادگیری این زبان ارائه دهم و بنابراین فکر می‌کنم تا حدودی به هدفم از نگارش این کتاب نایل شده‌ام. در ضمن این کتاب جوایز بسیاری مانند جایزه پروین اعتصامی به عنوان پژوهش فرهنگی سال را به خود اختصاص داده است، به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی انتخاب و شایسته تقدیر سال شده است اما با این حال دیدن رضایت دانشجویان برایم از ارزش بالاتری برخوردار است تا جایی که می‌توانم بگویم شادی حاصل از این امر همه خستگی این کار را از وجودم بیرون کرده است.

درباره رونق و گسترده وسیع کاربرد زبان سغدی در گذشته نکاتی را بیان فرمودید، بر این اساس به نظر شما چه دلایلی را برای مرگ زبان سغدی می‌توان در نظر گرفت؟

برای مرگ یک زبان دلایل بسیاری را می‌توان ارائه داد. اگرچه نمی‌توان این دلایل را برای مرگ یک زبان قطعی دانست اما می‌توان به صورت نسبی به آن‌ها پرداخت. درباره زبان سغدی به صورت خاص می‌توان به ترک نشین شدن منطقه و نفوذ زبان ترکی اشاره کرد. از طرف دیگر فارسی نو، فارسی دری، که ادامه فارسی میانه و فارسی باستان است در منطقه رواج پیدا می‌کند و در نتیجه جایگزین این زبان در این منطقه می‌شود. بر اساس بررسی انجام شده در شوروی تا حدود قرن 16-17 میلادی و قطعاً تا 16 میلادی، در روستاهای اطراف بخارا یعنی در منطقه تاجیکستان، این زبان زنده بوده است و بعد از آن گویش یغناپی که به صورت مستقیم ادامه زبان سغدی میانه نیست و یکی از گویش‌های آن است رواج یافته و با گویش‌وران معدودی تا به امروز به حیات خود ادامه داده است.

پس یکی از دلایل می‌تواند ترک نشین شدن منطقه و سپس رواج فارسی در منطقه که زبان امرا و شاهان بوده و از حمایت دولت به عنوان زبان رسمی برخوردار بوده است، باشد. عامل دیگر استفاده از این زبان توسط شاعران و مداحان که پادشاهان را به آن زبان مدح می‌کردند بود. به این ترتیب زبان دارای شأن اجتماعی می‌شود و این امر باعث می‌شود که مردم به سوی استفاده از آن جذب شوند و زبان قبلی جای خود را به زبان دارای شأن اجتماعی داده و کم کم به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین همان طور که گفته شد، زبان ترکی و سپس فارسی به دلیل برخورداری از شأن اجتماعی به مرور جای سغدی را گرفتند و این زبان به فراموشی سپرده شد.

منابع :

1. اُرانسی، یوسیف م. زبان‌های ایرانی، ترجمه دکتر علی اشرف صادقی، تهران، انتشارات سخن ۱۳۷۸.
2. سیم‌الدیناف، دادخدا، (رئیس پژوهشگاه زبان و ادبیات فرهنگستان علوم تاجیکستان)، [خوانش تازه‌ای از سرود اهل بخارا](#)، بی‌بی‌سی فارسی، پنج‌شنبه ۲۶ اوت ۲۰۰۴.

3. **پرش به بالا** ↑ زرشناس، زهره: بدر سغدیانه. در **جدید آن‌لاین**. ۰۳ ژانویه ۲۰۰۹ - ۱۴ دی ۱۳۸۷.
4. زرشناس، زهره، عناصری از یک قصه سغدی مانوی. در: «نامه فرهنگستان» پاییز ۱۳۷۶ - شماره ۱۱. (از ص ۹۸ تا ۱۱۲).
5. **پرش به بالا** ↑ زرشناس، زهره: بدر سغدیانه. در **جدید آن‌لاین**. ۰۳ ژانویه ۲۰۰۹ - ۱۴ دی ۱۳۸۷.
6. زرشناس، زهره: بدر سغدیانه. در **جدید آن‌لاین**. ۰۳ ژانویه ۲۰۰۹ - ۱۴ دی ۱۳۸۷.
7. زرشناس، زهره، واژه اهریمن در ادبیات سغدی بودایی (۱۰ صفحه - از ۴۲ تا ۵۱). در: نامه فرهنگستان «زمستان ۱۳۷۹ - شماره ۱۶».

بدون تردید ابراز و نثار نظریات سالم و سازنده تان
 مرا در راستای نگارش بهتر، خوبتر، دقیق و سودمند تر
 یاری می‌رساند. **ایام همواره بکام هر یک تان باد!**